

تأثیر ایمان و نیت پاک در انجام عمل نیک :

۱ - خلاصه مکتبهای فکری و فلسفی درباره رابطه «اندیشه و عمل»

۲ - چرا سلسله اعتقادات در اسلام اصول دین معرفی شده است ؟

۳ - نظری به اخبار پیشوایان مذهبی

کلیه مکتبهای فلسفی و مذهبی را درباره عمل و فکر به سه مکتب میتوان تقسیم کرد که دو مکتب آن در دو طرف افراط و تفریط و یکی در حد وسط قرار گرفته است .

۱ - مکتب و فلسفه اپانیستاد : پروان این مکتب و برخی از فلسفهای غندی منقادند که

صلاح و سعادت و سکنش بشر تنها در اصلاح درون و اندیشه و روح است . آنها بعمل چندان توجه ندارند و میگویند فقط باید به تهذیب نفس و داختم و به تصفیه روح همت گماشت ، و در حقیقت جز روح چیز دیگر واقفیت ندارد ، اشراقیون از فلاسفه یونان و همچنین سوفیگری را در اسلام میتوان از پروان این مکتب افراطی بشمار آورد زیرا آنان نیز میگویند : ای برادر تو همین اندیشه ای !

۲ - مکتب شنولیسیم یا اصالت عمل و حس : فلسفه پیروان این مکتب نقطه مقابل فلسفه پیشین

است زیرا آنان در طرف تفریط راه افتاده گمان کردند که سعادت آدمی تنها در تأمین جهات مادی و عمل میباشد و تنها کار است که ارزش دارد و انسان اگر عمل نیک انجام دهد در نیکبختی او کافی است اگر چه درونش پر از خصمال شیطانی و نیتهای آلوده بوده باشد .

۳ - مکتب اسلام : اسلام که در تمام شئون مادی و معنوی بشر حداقتدال را رعایت کرده

است برای تخطئه آن دو مکتب و خاتمه دادن بدان افراط و تفریطها ؛ سعادت و خوشبختی انسان را در هر دو عمل صالح و نیت پاک ، و آراستن ظاهر و تهذیب باطن ، و تربیت جسم و جان میداند و بر خلاف گفته بعضی عوام مردم که میگویند انسان باید قلبش پاک باشد (یعنی اگر چه اعمالش پاک باشد) اسلام بر دو موضوع اهمیت کامل داده و قرآن در باره تخطئه دو مکتب پیشین چنین روایت میکند : **وَالْعَصْرانِ الْانسانِ لَقى خسراناً لَّذینِ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ** - و گنبد عصر ، بشر زیانکار است جز افرادی که ایمان و نیت پاک داشته و اعمال نیک انجام دهند . اصولاً خداوند در قرآن هر جا که از ایمان و عقیده یاد کرده آنها را

توأم باعمل صالح ذکر نموده است و این بهترین معرفتکتاب اسلام است

چرا سلسله اعتقادات در اسلام اصول دین معرفی شده است ؟

موضوع دیگر که شاید توجه است این است که در اسلام می بینیم سلسله اعتقادات فرماتل عقیده می اصول و ریشه های دین محسوب و اعمال و عبادات فروع دین معرفی شده اند . اصل در لغت ریشه و اساس رفیع شاخه و تابع چیزی را میگویند ، فرع به چیزی میگویند که پشت سر یک چیز دیگر میآید و قهرآم باید بیاید ، جای پرشش است که چرا اینطور است مگر اهمیت تکالیف مانند نماز و زکوة کمتر است و به چه سبب آنها را فروع محسوب شده اند ؟

در پاسخ باید گفت : آری کاتبه اعمال فروغند ، حتی عبادات اگر با انگیزه های پاک درونی انجام نیاید مورد نظر اسلام نیستند عباداتی که بصرف جنبه تشریفاتی بعمل بیاید در خور ارزش نمیباشد ، از طرفی مسأله ای که ایمان به یکاذکی خداوند داشته و معتقد بر سلامت پیامبر اسلام و دستورات جاودیش او است و به تمام دروز دستاویز ایمان دارد طبقاً اعمالی که موجب خوشنودی خداست انجام میدهد یعنی این عمل پاکه بود آن درخت پاک است و اعمال صالح او کشتی نیتهای پاک و ایمان سالم میباشد .

از این بالاتر دقت در مبادی اسلام ما را باین حقیقت میرساند که نیتها عمل صالح بدون نیت پاک ارزش ندارد بلکه کردار نیک از ایمان خالص و عقیده پاک و صمیمیت عمل ناشایست و کردار زشت از نیت آلوده و درون تکلیف افکار که ندارد در آن مجید میگردد : **قل كل عمل علی شاکلته** ؛ یعنی هر کس و افق افکار و طرز عقیده خود عمل انجام میدهد ، اگر انسان درونش ساف و فکرش درست و ایمانش خالص باشد اعمال او کردار او هم شکل آن ایده های درونی وی میباشد و بالعکس .

رساله علم انسانی

امیر و ممان علی (ع) همین مطلب را با یوانی مختصر و رسا روشن ساخته است : **«الایمان والعمل اخوان توأمان و رفیقان لا یفترقان»** (۱) ایمان و عمل مانند دو برادر همزاد و در رفیق صمیمی هستند که هر گز از هم دیگر جدا نمیشوند ، باز میفرماید : **العقول الائمة الافکار ... والحواس الامة الاعضاء** (۲) یعنی خردها و اعصابی فکرند ، و افکار پیشوای دل ، دل هادی حواس ... و حواس رهبران ذی انسانند .